نه‌ی ثانوی ای جه‌تی، از صوم ایام تشریق

شاگرد: صیام ایام تشریق هم شاید از همان دسته از ادله‌ای باشند که برای مدیریت امتثال آمده‌اند.

استاد: ببینید الآن این روایت نه‌ی کرده است. کلاً بین علماء در اصول مطرح است که می‌گفتند در برخی از امور، ذات نفس الفعل عبادت است. به سجده مثال می‌زدند. سجده عملی نیست که بالموضعه، به آن عبادت بگویند. اصلاً عملیة السجده عین تذلل در پیشگاه مسجود له است. لذا نباید به جعل تشریعی بگویند «السجود عبادة». این را در عبادیات ذاتی داشتیم. اما صوم کدام یک از این‌ها است؟ صوم به نیت صوم. صیامی که ملل اهل توحید و متدینین می‌دانند. صوم عبادت ذاتی است یا نه؟ عبادتش ذاتی نیست؟ این سؤالی است که مثل سجده واضح نیست. ولی احتمال این‌که صیام هم عبادیتش ذاتی باشد، هست. قابل تقریر است.

شاگرد: در سجده و سر روی زمین گذاشتن یک نیتی هم می‌خواهد.

استاد: تذلل نکرده، او دارد ورزش می‌کند. می‌گفتند وقتی دماغش را روی خاک می‌گذارد، دماغش ویروزه می‌شود و تخلیه الکتریسیته می‌شود. این‌ها معروف بود. می‌گفتند اگر در سجده سرش را روی خاک بگذارد، آرام می‌شود. جمجه او وقتی به خاک متصل می‌شود بار الکتریکی‌ای که دارد به زمین می‌رود! سیم ارت می‌گفتند. یا به قول شما ورزش. اما اسم این‌که سجده نیست. اصلاً سجده لغوی برای تذلل در مقابل مسجود له است.

شاگرد: یکی از ارکانش هم نیت است.

استاد: بله، یعنی فعل با پشتوانه نیست... .

شاگرد: دراین‌صورت اگر در صوم هم نیت نباشد هم که صوم نیست. صرفاً امساک است.

استاد: بله، لذا می‌گویم صوم در آن چیزی که لغت صوم را می‌رساند. بعضی کارها است که لغت تنها برای پیکره عمل وضع نشده است. بلکه مجموع عمل و نیت، موضوع‌له لغت است. خیلی از لغت‌ها به این صورت است. مجموع پیکره عمل با پشتوانه آن.

شاگرد۲: مثل نذر.

استاد: نذر کردن منظور شما است؟ برای من خیلی واضح نشد. در نذر کردن که در بدنه کار چیزی نیست. خیلی‌ها تنها با دل نذر می‌کنند و شما می‌گویید که صیغه نیاز است.

علی ای حال در نه‌یی که حضرت فرمودند، «الصوم» چیست؟ اگر گفتیم عبادیتش ذاتی است، این نه‌ی به عنوانی ثانوی می‌شود. اگر هم گفتیم باز عبادت صوم، تشریعی است، ولی به اقتضاء

است، باز این نه‌ی، حیثی و جهتی می‌شود که بیرون از ذات اقتضائی صوم می‌شود. این اقتضاء را می‌توان از خود این فهمید. مثلاً روز فطر؛ یک ماه روزه گرفته‌ام. الآن کل تشیع این روز را عید اعلام کرده‌اند، اما او دوباره می‌خواهد روزه بگیرد. این شعاریت عید دلالت دارد بر صوم تفکّه. در ایام تشریق با این زحمت رفته اعمال را انجام داده و الآن به عرفات آمده و از احرام بیرون آمده و محل شده است، دوباره می‌گویی که من روزه هستم! آن چیزهایی که خدا حلال کرده را دوباره با روزه بر خودم حرام می‌کنم. حضرت فرمودند ممنوع است. حتی در منا است و مقیم در آن است، با این‌که وقوف در منا دارد، صوم بر او حرام است. تعبیرش هم معلوم است. شاید واژه‌ای که حضرت داشتند، تفکه بود. تفکه یعنی خدای متعال خوش دارد که در روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم خوش بگذارانند.

> 35:39

شاگرد: زنگ تفریح است.

استاد: پایان کار است. زنگ تفریح دو طرف دارد. اما این پایان کار است. مانند عید فطر. آن پایان احرام است. از احرام درآمده است. این برای ایام تشریق.

«الیوم الذی یشک فیه من رمضان»؛ که جهتی و حیثی است. در آن روایت کافی امام سجاد علیه‌السلام چه فرمودند؟ چند روز دیگر را هم گفته‌اند. آخر حدیث کافی حضرت فرمودند که دو روزه هست که در آن اختلاف کرده‌اند. یکی صوم السفر است. یکی هم صوم المرض است. در این دو اختلاف کرده‌اند. بعد فرمودند ما می‌گوییم اگر در این روزها روزه گرفت، قضا کند. اگر با حال سفر و مرض روزه گرفت، قضا کند. کسانی که اختلاف کرده‌اند را به این صورت می‌گویند. البته از این «قضاه» هم در فتوای مشهور تلقی اشتراط ثبوتی شده است. البته آن قابل بحث طلبگی است. یعنی تعمد در مرض و سفر روشن است؛ اگر متعمدا روزه بگیرد، علیه قضائه. اما جهلا، غیرمتعمد روزه بگیرد، مشهور می‌گویند اگر حتی تبیین هم بشود، باز روزه‌اش باطل است. چون امری ندانسته است. اما این‌که امر داشته ای ندانسته و این تحیث به امر مربوط است ای نه، جای خودش. این برای این روایتی که فعلاً ذهنم چیزی از آن نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 15:33:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 15:34:12 توسط ... .